



فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

بررسی رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: دانشجویان

دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان)

عظیمه کاظمی^۱، دکتر مهدی حسنی باقری^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

پرورش شهروند فعال و موثر، مستلزم عزم و اراده برای تعلیم، تربیت و برنامه‌ریزی مناسب در این راستاست. به‌طور خاص، آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی می‌تواند مبنای تعهد آنان به انجام رفتارهای اجتماعی و تکالیف شهروندی و به‌عبارت‌بهرتر، فرهنگ شهروندی باشد. براین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و فرهنگ شهروندی انجام شده است. قلمرو مکانی این تحقیق، دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان می‌باشد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان به تعداد تقریبی ۴۵۰۰ نفر بود که از این تعداد ۳۵۱ نفر بر اساس جدول کرجسی و مورگان به‌عنوان نمونه و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. دو پرسشنامه استاندارد در میان نمونه توزیع و در نهایت ۳۱۰ پرسشنامه برگشتی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در قالب نرم افزار لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی (حقوق شهروندی سیاسی، اجتماعی و مدنی) و فرهنگ شهروندی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، آگاهی از حقوق شهروندی، فرهنگ شهروندی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده آزاد اسلامی، واحد سیرجان، سیرجان، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده آزاد اسلامی، واحد بافت، بافت، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مساله

انسان‌ها زمانی که تصمیم گرفتند برای تامین نیازهای خود به صورت جمعی در کنار یکدیگر زندگی کنند، کم‌کم دانستند که زندگی اجتماعی نیازمند رعایت اصول و وظایفی است، که امروزه تحت عنوان اصول شهروندی شناخته می‌شوند (گنجی، نیازی و عسکری کویری، ۱۳۹۳: ۲). اصولی که پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی را برای تعامل میان افراد و گروه‌ها و نهادها فراهم می‌کند و در قالب فرهنگ شهروندی برای افراد، درونی می‌شود (فاطمی نیا، ۱۳۸۶: ۳۵). فرهنگ شهروندی به‌عنوان مفهوم نوینی که با ورود به هزاره سوم اهمیتی ویژه یافته است (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۴؛ رستگار و سیدان، ۱۳۹۴)، مقوله‌ای فرهنگی بوده و مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و توانمندی‌های اکتسابی تک‌تک افراد جامعه را در بر می‌گیرد که با تصحیح رفتارها، زمینه‌های لازم را برای رشد و توسعه جامعه فراهم می‌نماید (تویبایس، ۱۹۹۷).

در تعریف فرهنگ شهروندی، آن را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی می‌دانند که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی می‌باشد (فاطمی نیا، ۱۳۸۶: ۳۹). پیرامون فرهنگ شهروندی نظریات متعددی مطرح و هر کدام مولفه‌هایی را برای ساخت درونی آن بیان کرده‌اند که می‌توان به نظریات جوکواک (۲۰۰۷)، گیسون (۲۰۰۹)، اسکوجن (۲۰۱۰) و سازمان یونسکو (۲۰۱۰) اشاره کرد. در این میان اما، مدل سه بعدی فرهنگ شهروندی شامل بعد مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و رعایت قوانین و مقررات از مقبولیت و کاربرد بیشتری برخوردار می‌باشد که به‌همین دلیل در این تحقیق نیز برای سنجش فرهنگ شهروندی از این مدل استفاده شده است (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸؛ فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱).

تحقیقات انجام شده در داخل کشور حاکی از در حد متوسط و گاهی کمتر از متوسط بودن فرهنگ شهروندی در ایران می‌باشند. به‌عنوان نمونه در تحقیقی پیمایشی که در منطقه شش شهر تهران توسط فتحی و ثابتی (۱۳۹۱) صورت گرفت، وضعیت فرهنگ شهروندی در بعد مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری در حد متوسط و در بعد رعایت قانون در حد کمتر از متوسط ارزیابی شده است (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۱۸۸). پیش‌تر از آن، هاشمیان فر و گنجی (۱۳۸۸) نیز به همین نتیجه رسیده بودند. همچنین بنابر تحقیق دیگری، میانگین فرهنگ شهروندی در شهر آران و بیدگل کمتر از حد

متوسط گزارش شد (گنجی، نیازی و عسکری کویری، ۱۳۹۳: ۱۸). این در حالی است که نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که فرهنگ شهروندی در جامعه دانشجویی نیز از وضعیت مناسبی برخوردار نیست (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱).

در تحلیل عوامل موثر بر فرهنگ شهروندی، تحقیقات به موارد مختلفی از قبیل ساختار سازمانی شهری (فنجی و ثابتی، ۱۳۹۱)، هویت اجتماعی (هاشمیان فر و عجمی، ۱۳۹۱)، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی (مهدوی و عاشوری، ۱۳۹۳)، آموزش‌های شهروندی (گنجی، نیازی و عسکری کویری، ۱۳۹۳) و به طور خاص آگاهی از حقوق شهروندی (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱؛ مهدوی و عاشوری، ۱۳۹۳) اشاره کرده‌اند. در همین راستا میشل سدلر بر این باور است که نظام آموزشی شهروندی در هر کشوری، متأثر از مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۷). پرورش شهروند فعال و موثر، مستلزم عزم و اراده برای تعلیم، تربیت و برنامه‌ریزی مناسب در این راستاست (گنجی، نیازی و عسکری کویری، ۱۳۹۳: ۹) و بر همین اساس، افزایش آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی می‌تواند مبنای تعهد آنان به انجام رفتارهای اجتماعی و تکالیف شهروندی (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱) و به عبارت بهتر، فرهنگ شهروندی (مهدوی و عاشوری، ۱۳۹۳) باشد. بدین سان، داشتن زندگی مناسب در کنار دیگران و بهره‌مندی از مزایای شهروندی، بدون آگاهی از حقوق شهروندی و تکالیف مرتبط با آن تحقق نمی‌یابد (محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰).

حقوق شهروندی یکی از زمینه‌هایی است که به طور خاص در دهه‌های اخیر در بسیاری از مجامع ملی و بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱)، به نحوی که امروزه مفهوم حقوق شهروندی به یکی از مفاهیم اصلی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی بدل شده است (حاج زاده و منصور، ۱۳۹۲). یکی از اندیشمندانی که در نیمه قرن دوم به طور اختصاصی به مقوله حقوق شهروندی پرداخته، توماس مارشال است (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱)، که حقوق شهروندی را شامل سه حوزه حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌داند. در واقع هویت شهروندی و عضویت شهروند در محدوده حاکمیت دولت ملی با تاکید بر حقوق مدنی، حقوق سیاسی^۱ و حقوق اجتماعی^۲ فرد همراه است که چنین حقوقی را مجموعه حقوق شهروندی می‌نامند (پیران، ۱۳۸۵). بنا به تعریف، حقوق مدنی شامل آزادی‌های فردی، آزادی بیان و فکر، حق مالکیت، حق بهره‌مندی از عدالت و... است. حقوق سیاسی در برگیرنده حق رای دادن و شرکت در انتخابات، و حق مشارکت در قدرت سیاسی است و حقوق اجتماعی شامل حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی، و خدمات مدنی است (مارشال، ۲۰۰۹).

¹ Civil Rights

² Political Rights

³ Social Rights

بنا به آنچه که گفته شد حقوق شهروندی بیانگر مختصات بنیادین افراد یک جامعه برای داشتن یک زندگی فردی و اجتماعی فعال در آن جامعه است. این حقوق که به حقوق مضاعف نیز معروف است با توجه به مفاد قانونی و اصول حقوقی هر جامعه تعیین می‌شوند و به همین دلیل از کشوری به کشور دیگر تفاوت‌هایی دارند (فغان نژاد و نوری، ۱۳۹۱). در نظام جدید حقوقی ایران مهمترین سندهای حقوق شهروندی در قالب مفاد قانون اساسی ذکر شده (بندرچی، ۱۳۸۳؛ تاجانی، ۱۳۸۸؛ احمدی طباطبایی، ۱۳۸۸) که اصلی‌ترین قسمت آن، فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» می‌باشد (ق.ا.ج.ا. ایران، مصوب ۱۳۵۸/۱/۱۰).

اگرچه این فصل از اصل چهارم و دوم به تضمین و تایید حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی شهروندان می‌پردازد، اما سایر اصول قانون اساسی نیز به مناسبت فصول دیگر به حقوق شهروندی اشاره می‌کنند. به عنوان نمونه اصل ششم به اتکای به آرای عمومی در اداره کشور، اصل دوازدهم به احترام به کلیه مذاهب اسلامی، اصل چهاردهم به اخلاق حسنه و عدل اسلامی در ارتباط با افراد غیر مسلمان و رعایت حقوق انسانی آنان، اصل نوزدهم به برخورداری اقوام و قبایل از حقوق مساوی، اصل بیست و ششم به حق شرکت در احزاب و انجمن‌های شناخته شده، اصل بیست و نهم به برخورداری از تامین اجتماعی به عنوان حقی همگانی، اصل چهل و ششم و چهل و هفتم به قانون مالکیت شخصی اشاره دارند (ق.ا.ج.ا. ایران).

اصل بیستم با زبانی رسا و روشن چنین مقرر می‌دارد که «افراد ملت از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند». همچنین می‌توان اصول ۳، ۱۰ و ۱۱، اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵ و ۳۲، اصول ۳۴، ۳۸ و ۳۹، بند سوم اصل ۱۵۸ و اصل ۱۶۱ را در راستای حقوق شهروندی دانست (روشن، بیراوند و یاراحمدی، ۱۳۹۳).

امروزه با توجه به مسائل گوناگون در بخش‌های مختلف جامعه و نیز پیچیدگی روابط اجتماعی و همچنین آشنایی با حقوق سایر کشورها، نیاز به آگاهی از حقوق شهروندی در میان افراد جامعه بیش از پیش احساس می‌شود (امام جمعه و اشتری، ۱۳۹۳). در این میان، یکی از نهادهای تاثیرگذار، نهاد آموزش عالی می‌باشد، چرا که یکی از اهداف آن توسعه ذهن و روح دانشجویان و ایجاد و افزایش احساس وظیفه مدنی است (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱). نظام آموزش عالی بر اینکه دانشجو در آینده چگونه خواهد شد و چه رفتارهایی را از خود بروز خواهد داد، کاملاً تاثیرگذار است (آرتور و بوهلین، ۲۰۰۵)، و از همین رو، تحقیقات مختلف نه تنها بر آموزش شهروندی در دانشگاه‌ها به عنوان یکی از اولویت‌های سیاست‌های آموزش عالی تاکید کرده‌اند بلکه فعالیت‌های دانشگاه‌ها را با تقویت ارزش‌های مدنی و شهروندی گره زده‌اند (لی، ۲۰۰۹؛ پاتینو، ۲۰۰۹؛ بیستا، ۲۰۰۹). در واقع، دانشگاه‌ها باید در پی تربیت افرادی باشند که نسبت به حقوق خود آگاه و درباره جامعه مسئولیت‌پذیر باشند (عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱). در همین راستا و بر اساس آنچه که گفته شد،

این تحقیق به طور مشخص به دنبال طرح و پاسخ به این مساله است که آیا رابطه معنی داری بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی با فرهنگ شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان وجود دارد؟

مبانی نظری پژوهش

حقوق شهروندی

تی. اچ. مارشال با الهام از اندیشه های ماکس وبر و تالکوت پارسونز، نظریه ای در رابطه با شهروندان در جوامع دموکراتیک مطرح می سازد. وی در مدل کلاسیک خود حقوق شهروندان را به سه وجه حقوق قانونی و مدنی، حقوق مشارکت و شهروندی سیاسی و حق رفاه و شهروندی اجتماعی تقسیم می نماید (باقری بنجاز و مرجانی، ۱۳۹۶: ۳).

۱. حقوق قانونی و مدنی: حقوق قانونی عبارت است از حق انتخاب آزادانه عقیده، مذهب، شغل، محل زندگی، دوست، همسر و ... که تحقق آنها مستلزم این است که این انتخاب از سوی افراد جامعه مورد احترام و حمایت قرار گیرد. به عبارتی می توان گفت این حقوق به آزادی و استقلال فرد اصالت می دهد و به رابطه هر فرد با سایر افراد جامعه بر می گردد. در واقع هدف از این حقوق حفاظت از آزادی های اساسی فرد (برخورداری از حقوق آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی انتخاب مذهب، آزادی مالکیت، آزادی قلم و مانند آن) در برابر دولت است. حقوق مدنی عبارتند از: حق آزادی های فردی شامل آزادی شخصی، آزادی بیان و اندیشه عقیده، حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت، حقوق سیاسی ناظر به رابطه فرد با دولت است که شامل حق رای، حق مبارزه برای به دست گرفتن مناصب و مشاغل در دولت، حق تشکیل حزب و گروه هم سود، حق دسترسی به اطلاعات در مورد فعالیتهای دولتی و حق تحقیق و تفحص در امور دولت و در نهایت حق اعتراض و مخالفت کردن می باشد (شیبانی و دادودوندی، ۱۳۹۰).

۲. حقوق مشارکت و شهروندی سیاسی: دومین حق شهروندی، حق مشارکت است که بر مبنای برخورداری از حق رأی، حق شرکت در انتخابات و مشارکت کردن در امور سیاسی جامعه است. مارشال شهروندی را به چنین حقی نسبت می دهد. به عقیده مارشال این حقوق که قبلاً تعداد محدودی از آن برخوردار بودند، تنها در قرن ۲۰ با گسترش حق رأی عمومی برای همه افراد بالغ به حقوق شهروندی تبدیل شد و این امر اصلی را ایجاد کرد که بر اساس آن حقوق فوق نه مبتنی بر ابزار اقتصادی بلکه مبتنی بر وضعیت شخصی بودند. حقوق سیاسی در بردارنده حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار

سیاسی و یا به عنوان یکی از انتخاب کنندگان اعضای چنین نهادی می باشد. حقوق سیاسی و یا به عنوان یکی از انتخاب کنندگان اعضای چنین نهادی می باشد. حقوق سیاسی بر حسب نهادها در بردارنده توسعه پارلمان و شورای حکومت محلی بودند که در قرن ۱۹ تشکیل شدند (باقری بنجار و مرجانی، ۱۳۹۶: ۶).

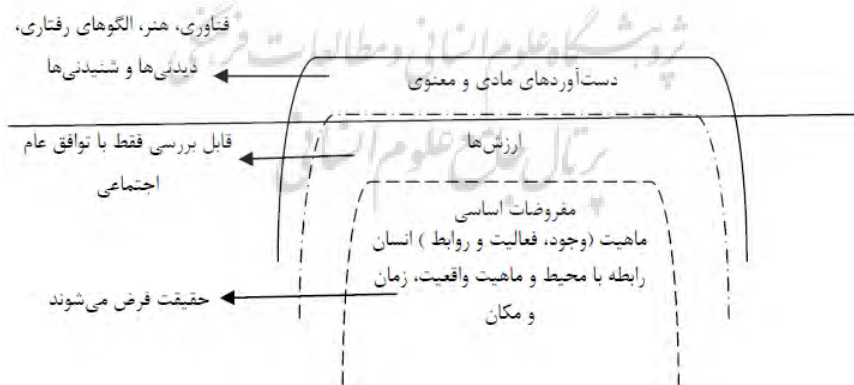
۳. **حق رفاه و شهروندی اجتماعی:** حق بعدی که شهروندان دارا می باشند، حق رفاه است که بر مبنای برخورداری از تامین اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت و آموزش همگانی می باشد. در نظریه شهروندی مارشال، شهروند اجتماعی به مفهوم برخورداری از اعضای جامعه از حق رفاه است. در اینجا مارشال به نقش دولت رفاه که تامین کننده چنین حقوقی است، تاکید دارد. مارشال معتقد بود که حقوق اجتماعی در قرن ۲۰ در شکل مدرن خود یا ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام ملی آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی توسعه یافتند. مارشال عنصر اجتماعی را اینگونه تعریف می کند: «مراد من از عنصر اجتماعی عبارت است از طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به عنوان یک موجود متمدن معیارهای حاکم را به یک جامعه بر می گیرد» (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی مفهومی نوین است که با ورود به هزاره سوم اهمیتی ویژه یافته است، تا آنجا که می توان آن را از نوین ترین مفاهیم دنیای مدرن تلقی نمود. فرهنگ شهروندی، هر دو از مفاهیم پر مناقشه و جدال، میان صاحب نظران این حوزه است. به تعبیر مورد وفاق اکثر متخصصین، فرهنگ شهروندی به عنوان سبک زندگی انسان در قالب سوژه شهروند در بافت شهری و متأثر از نیازهای حال و آینده تعریف شده است، تا آنجا که با پیوند خوردن مفهوم رفاه اجتماعی با جایگاه شهروندی، کلیه شئون زندگی جمعی در قالب فرهنگ شهروندی شدیداً متأثر از تعبیر مفهوم رفاه می شود. اگرچه از فرهنگ به عنوان سبک کلی زندگی انسان یاد می شود، ولی این سبک کلی که از تعاملات انسانی شکل می گیرد، خود از ارزش ها و هنجارها که جوهره فرهنگ هستند، ناشی می شود (یونسکو، ۲۰۱۰). فرهنگ پدیده ای اکتسابی، انتقال پذیر، پویا و آموختنی است. به واسطه همین ویژگی های، فرهنگ شهروندی را می توان به عنوان یک قابلیت اکتسابی و توانایی غیر غریزی انسانی تعریف کرد که شکل دهنده سبک کلی زندگی و هادی تعاملات او با دیگران باشد. فرهنگ «نظام در هم تنیده ای از نشانه های قابل تفسیر» است و بستری است که در آن رخدادهای اجتماعی، رفتارها، نهادها یا فرایندها رخ می دهد. با این تعریف مقدماتی می توان فرهنگ شهروندی را مجموعه ای از ارزش ها، نگرش ها، باورها و رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی تعریف کرد که احساس تعلق به جامعه و احترام به میراث مشترک

و به رسمیت شناسی حقوق و وظایف شهروندی را در فرد بوجود می‌آورد. در فرهنگ شهروندی با هنجارهای قانونی و اشکال از قبل تعیین شده و انعطاف ناپذیر همانند حقوق شهروندی روبرو نمی‌شویم، بلکه با مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌هایی روبرو می‌شویم که انعطاف‌پذیری زیادی دارند؛ که این امر ناشی از وجود تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگ شهری یا خرده فرهنگ‌های شهری است (نقی‌زاده، ۱۳۹۱).

فرهنگ شهروندی در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی که بیانگر شیوه‌ی زندگی و شکل‌دهنده‌ی تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و روی هم رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می‌شود (فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۹۴). دقت نظر در مطالعات شهروندی نشان می‌دهد که ارزش‌های مورد قبول اجتماع انسانی از جمله مهم‌ترین مولفه‌های مشترک مورد مطالعه‌ی متخصصان امر است. ارزش‌ها اگر چه انتزاعی هستند، اما تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارند. آنچه در حوزه اجتماعی مورد توجه است، ارزش‌های اجتماعی است که مورد خواست، وفاق و مطلوب عموم قرار می‌گیرد. ارزش در واقع یک نوع «درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی پدیده از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی است». به بیان دیگر، ارزش بار معنایی ویژه‌است که انسان به برخی از اعمال، پاره‌ای از حالات و برخی از پدیده‌ها نسبت می‌دهد. ارزش‌ها جوهره و شیرازه‌ی فرهنگ بشمار می‌روند، به زندگی فرد قصد و معنا می‌دهند و نسبی یا تابع شرایط فرهنگی‌اند. به بیان دیگر، ارزش به شیوه‌ای از بودن یا عمل که یک شخص یا جامعه به عنوان آرمان آن را می‌شناسد و اسناد رفتار و عمل شخص یا اشخاصی بدان صورت می‌گیرد، اطلاق می‌شود (شاه‌طالبی و همکاران، ۱۳۹۰). ارزش‌ها براساس نظر شاین، بر پایه‌ی توافق عام اجتماعی صورت می‌گیرند. این بدان معناست که ارزش چیزی است که از سوی افراد جامعه پذیرش شود و مبنای اصلی آن را مفروضات بنیادین هر جامعه که اساس شکل‌گیری فرهنگ است، می‌داند.



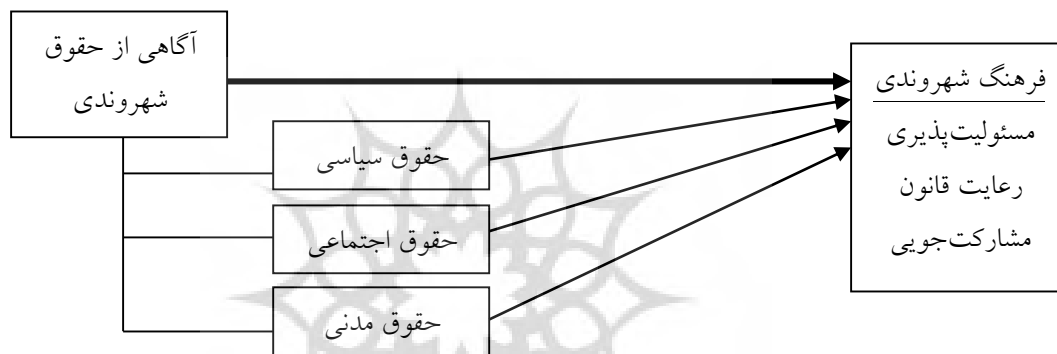
نمودار ۱-۲. سطوح سه گانه فرهنگ (فرهنگی، ۱۳۸۴)

حسین آبادی و زنگنه (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تأثیر آگاهی از حقوق شهری بر شهروندی فعال (مورد مطالعه: شهر سبزه‌وار)» پس از تحلیل میزان آگاهی شهروندان سبزه‌واری از حقوق شهری، نتیجه گرفتند که بین سطح آگاهی از حقوق شهروندی و شهروندی فعال رابطه معناداری وجود دارد و افراد دارای آگاهی بیشتر، شهروندانی فعال‌تر هستند. سهامی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «رابطه آگاهی از حقوق شهری و کیفیت زندگی در بین زنان ۴۴-۲۵ سال شهر شیراز» که با توزیع ۴۰۰ پرسشنامه به صورت تصادفی چندمرحله‌ای صورت گرفت، به این نتیجه رسیدند که رابطه معنادار و مثبتی بین آگاهی از حقوق شهری و کیفیت زندگی زنان وجود دارد. گنجی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی که در میان ۱۸۰ نفر از شهروندان شهر آران و بیدگل انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین آموزش‌های شهروندی با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه مستقیمی وجود دارد. به عبارت دیگر آموزش‌های شهروندی که توسط شهرداری انجام گرفته است در افزایش میزان پایبندی مردم به فرهنگ شهروندی نقش بسزایی داشته است. از طرفی از میان ابعاد سه گانه فرهنگ شهروندی، آموزش‌های شهرداری بیشترین نقش را در افزایش میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان داشته است.

مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی که در نمونه‌ای به حجم ۴۵۸ نفر از شهروندان شهر بوشهر انجام گرفته است، دریافتند که متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسئولیت‌پذیری و رسانه در ارتقای فرهنگ شهروندی تأثیر دارند. همچنین متغیرهای منافع جمعی، عام‌گرایی، دسترسی به مراکز فرهنگی، میزان درآمد و نوع مسکن رابطه معناداری با فرهنگ شهروندی نشان ندادند. کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱) نیز در تحقیقی با عنوان بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران، به این نتیجه رسیدند که بین میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، محل تولد و سکونت با میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. این تحقیق که در جامعه آماری شامل دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشکده فنی و مهندسی و دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران انجام شد دریافت که بین متغیر جنسیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و آگاهی از حقوق شهروندی آنان رابطه ضعیفی وجود دارد. عنایتی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی دانشجویان که در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان بهشهر و نکا در نمونه‌ای به تعداد ۳۲۷ نفر انجام شد، دریافتند که هر سه بعد حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی از حقوق شهروندی پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری برای رفتار اجتماعی دانشجویان محسوب می‌شوند. این تحقیق نشان داد که رفتار اجتماعی دانشجویان انعکاسی از میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی بوده و برای داشتن رفتاری متعهدانه نسبت به رعایت حقوق شهروندی، نیاز به آگاهی از حقوق شهروندی مندرج در قانون اساسی

کشور وجود دارد. نتایج پژوهش حسنی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزشها و هنجارها نشان می دهد که در بعد ارزشی، بیشترین میانگین مربوط به مولفه همدلی با دیگران و کمترین میانگین مربوط به مولفه روحیه پرسشگری و در بعد هنجاری، بیشترین میانگین مربوط به مولفه رعایت آداب معاشرت در ارتباط با دیگران و کمترین میانگین مربوط به مولفه استفاده از اوقات فراغت می باشد. این تحقیق در نهایت با توجه به میانگین متوسط به بالای میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان نتیجه گرفته است که دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی و فرهنگی توانسته است نقش مهمی در جامعه پذیری افراد داشته باشد.

مدل مفهومی پژوهش



آگاهی از حقوق شهروندی بر اساس مدل مارشال

فرهنگ شهروندی بر اساس مدل سازمان یونسکو (۲۰۱۰)

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

- بین آگاهی از حقوق شهروندی و فرهنگ شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیات فرعی:

۱- بین آگاهی از حقوق مدنی و فرهنگ شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان رابطه معنی داری وجود دارد.

۲- بین آگاهی از حقوق سیاسی و فرهنگ شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان رابطه معنی داری وجود دارد.

۳- بین آگاهی از حقوق اجتماعی و فرهنگ شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است، پژوهش کاربردی، پژوهش است که استفاده علمی خاصی برای نتایج حاصل از آن در نظر گرفته می شود و به طور غالب جنبه تئوری و تجربی دارد و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. هدف تحقیق همبستگی عبارت است از درک الگوهای پیچیده رفتاری از طریق مطالعه همبستگی بین این الگوها و متغیرهایی که فرض می شود بین آنها رابطه وجود دارد. این روش علی الخصوص در شرایطی مفید است که هدف آن کشف رابطه متغیرهایی باشد که در مورد آنها تحقیقاتی انجام نشده است (دلاور، ۱۴۰۰). جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان در مقاطع و رشته های تحصیلی مختلف به تعداد تقریبی ۴۵۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه آماری بر اساس جدول کرجسی و مورگان، ۳۵۱ نفر برآورد شد که به صورت طبقه ای تصادفی انتخاب شدند.

در این تحقیق، جهت گردآوری داده های میدانی از دو پرسشنامه آگاهی از حقوق شهروندی که ابعاد آن برگرفته از مدل مارشال شامل سه بعد حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق مدنی است و پرسشنامه فرهنگ شهروندی که شامل سه بعد مسئولیت پذیری، رعایت قوانین و مقررات و مشارکت جویی بود، استفاده شد. پرسشنامه ها در بین نمونه آماری از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان توزیع و جمع آوری گردید و از اطلاعات حاصله جهت بررسی و آزمون فرضیه های تحقیق استفاده شد. جدول ۱ نشان دهنده تعداد گویه های پرسشنامه ها می باشد.

جدول ۱. ابعاد متغیرهای تحقیق و شماره گویه های هر کدام از ابعاد

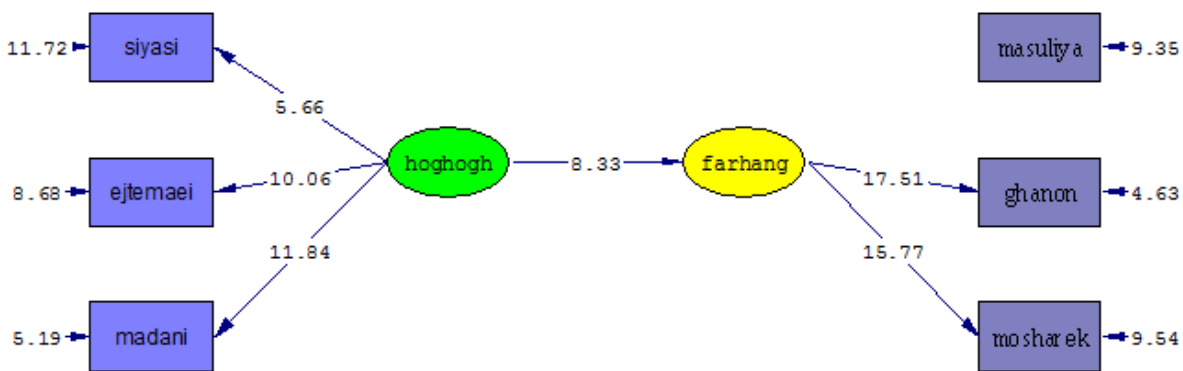
متغیر مورد بررسی	ابعاد مورد بررسی	شماره گویه ها
آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق سیاسی	۱-۳
	حقوق اجتماعی	۴-۱۵
	حقوق مدنی	۱۶-۲۲
مسئولیت پذیری	مسئولیت پذیری	۱-۷

۸-۱۳	رعایت قوانین و مقررات	
۱۴-۱۸	مشارکت جویی	

یافته های پژوهش

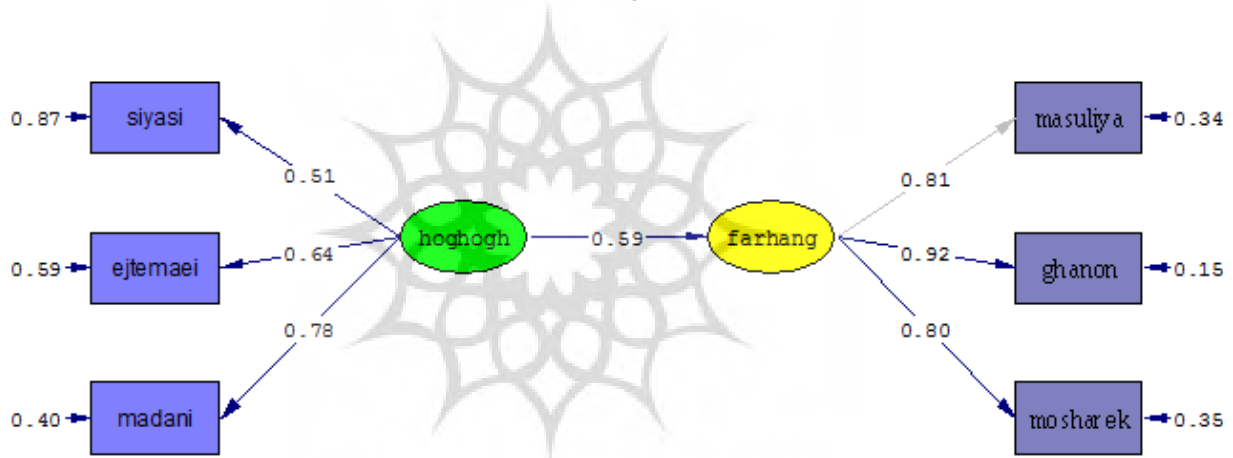
بررسی فرضیه های تحقیق در قالب الگویابی معادلات ساختاری

یکی از قوی ترین و مناسب ترین روشهای تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری، تجزیه و تحلیل چند متغیره است. زیرا ماهیت این گونه موضوعات، چند متغیره بوده و نمی توان آنها را با شیوه دو متغیری (که هر بار تنها یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می شود) حل نمود. از این رو، در این تحقیق برای تأیید یا رد فرضیات از روش الگویابی معادلات ساختاری با کمک نرم افزار LISREL 8.8 استفاده شده است. به منظور تأیید یا رد فرضیات از ضرایب استاندارد و اعداد معناداری استفاده می شود. منظور از عدد معناداری در نرم افزار لیزرل همان مفهوم sig در نرم افزار SPSS می باشد با این تفاوت که برای معنادار بودن یک ضریب، عدد معناداری آن باید بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱-۱/۹۶ باشد و در کل برای تأیید یا رد فرضیات تحقیق بکار می رود. عدد معناداری هر چقدر از ۱/۹۶ بزرگتر باشد نشان دهنده آن است که متغیر مستقل اثر قویتری روی متغیر وابسته دارد. منظور از ضریب استاندارد بارهای عاملی می باشد، هر چه بار عاملی بزرگتر و به عدد یک نزدیکتر باشد، یعنی متغیر مشاهده شده (سؤال) بهتر می تواند متغیر مکنون یا پنهان را تبیین نماید و به معنای اثر گذاری بیشتر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. اگر این مقدار کمتر از ۰/۳ باشد، متوسط اگر بین ۰/۳ تا ۰/۶ باشد خوب و اگر بالای ۰/۶ باشد عالی است.



Chi-Square=22.59, df=8, P-value=0.00393, RMSEA=0.077

نمودار ۲. مقادیر معناداری حاصل از الگویابی معادلات ساختاری فرضیه اصلی



Chi-Square=22.59, df=8, P-value=0.00393, RMSEA=0.077

نمودار ۳. مقادیر ضرایب استاندارد شده حاصل از الگویابی معادلات ساختاری فرضیه اصلی

آزمون فرضیه اصلی

بین آگاهی از حقوق شهروندان و فرهنگ شهروندی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان رابطه معناداری وجود دارد.

H₀: بین آگاهی از حقوق شهروندان و فرهنگ شهروندی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان رابطه معناداری وجود ندارد.

H₁: بین آگاهی از حقوق شهروندان و فرهنگ شهروندی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نمودار ۱۷-۴ اعداد معناداری بین آگاهی از فرهنگ شهروندان و حقوق شهروندی ۸,۳۳ که بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد، بنابراین آگاهی از حقوق شهروندان و فرهنگ شهروندی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نمودار ۱۸-۴ ضریب استاندارد بین آگاهی از حقوق شهروندان و فرهنگ شهروندی ۰,۵۹ می باشد که چون این عدد بین ۰,۳ و ۰,۶ می باشد که این نشان از تاثیر خوب و مستقیمی آگاهی از حقوق شهروندان بر روی فرهنگ شهروندی دارد.

خلاصه نتایج الگویابی معادلات ساختاری در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول شماره ۲. نتایج اجرای الگویابی معادلات ساختاری فرضیه پژوهش

روابط متغیرهای تحقیق	ارزش t	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	نتیجه	رابطه
آگاهی از حقوق شهروندان- فرهنگ شهروندی	۸,۳۳	۰,۵۹	-	۰,۵۹	تایید	مستقیم

آزمون فرضیات فرعی

خلاصه نتایج الگویابی معادلات ساختاری در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول شماره ۳. نتایج اجرای الگویابی معادلات ساختاری فرضیه پژوهش

روابط متغیرهای تحقیق	ارزش t	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	نتیجه	رابطه
آگاهی از حقوق سیاسی- فرهنگ	۲,۲۸	۰,۳۳	-	۰,۳۳	تایید	مستقیم
آگاهی از حقوق اجتماعی- فرهنگ	۳,۰۹	۰,۴۷	-	۰,۴۷	تایید	مستقیم
آگاهی از حقوق مدنی- فرهنگ	۵,۵۳	۰,۵۷	-	۰,۵۷	تایید	مستقیم

با توجه به جدول ۳، اعداد معناداری بین آگاهی از حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگ شهروندی به ترتیب ۲,۲۸ و ۳,۰۹ و ۵,۵۳ است که همگی بزرگتر از ۱,۹۶ می‌باشند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین آگاهی از حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی با فرهنگ شهروندی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی با فرهنگ شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان انجام گرفته است. در این راستا در قالب پک پیمایش، تعداد ۳۵۱ پرسشنامه در میان دانشجویان توزیع و ۳۱۰ پرسشنامه برگشت داده شد. تحلیل داده‌ها با مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام گرفت و نتایج حاکی از تأیید همه فرضیات پژوهش بود. نتایج اصلی این پژوهش نشان داد که آگاهی از حقوق شهروندی در هر سه بعد حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، روی فرهنگ شهروندی دانشجویان تأثیر مثبتی دارد. به عبارت دیگر هرچه دانشجویان آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی داشته باشند سطح فرهنگ شهروندی آنان بیشتر می‌شود. این موضوع با نتیجه تحقیقات حسین‌آبادی و زنگنه (۱۳۹۶)، مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳)، عنایتی و همکاران (۱۳۹۱) همخوانی دارد. آنان دریافتند که از بین عوامل اجتماعی موثر بر فرهنگ شهروندی، آگاهی از حقوق شهروندی نقشی اساسی در گسترش فرهنگ شهروندی و بروز رفتارهای شهروندی فعال دارد.

فرهنگ شهروندی جریانی است که در بستر خود منجر به رشد شهروندانی می‌شود که نه تنها از حقوقی برخوردارند، بلکه وظایفی را هم به منظور تضمین عدالت در جامعه برعهده می‌گیرند. در چنین فرایندی افراد علاوه بر اینکه جامعه خود را شکل می‌دهند تلاش می‌کنند تا با انجام وظایف و مسئولیت‌های خود، عناصر متشکله جامعه را حفظ می‌کنند. از این منظر، فرهنگ شهروندی را می‌توان نمایی از ارتباط اجتماعی و قانونی بین افراد و جامعه سیاسی و اجتماعی‌شان دانست. از سوی دیگر، فرهنگ شهروندی را نباید صرفاً مجموعه‌ای از عوامل رفتاری قلمداد کرد، بلکه باید آن را ایجاد و نشر یک خلق و خوی شهروندی دانست که دربرگیرنده تمایل به عمل کردن در جهت منافع عمومی، مشارکت در ایفای نقش شهروندی، مسئولیت‌پذیری و قانون‌مداری، و همچنین حساس بودن نسبت به احساسات، نیازها و حقوق دیگران است.

در راستای تحقق چنین خلق و خویی، آموزش حقوق شهروندی با هدف نهادینه شدن حقوق عمومی، عاملی مهم به‌شمار می‌آید. آموزش حقوق شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌شود. چنین تربیتی نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی، سیاسی و اخلاقی به وجود آورده و روابط اجتماعی بین افراد و روابط آنها با نهادهای ساختار مدنی، اجتماعی

و سیاسی را تقویت می‌کند. وقوع این فرآیند در نهادهای آموزش رسمی جامعه از جمله مدارس و دانشگاه‌ها منجر به شیوع و نهادینه‌سازی فرهنگ شهروندی فعال می‌گردد. آموزش عالی جایگاه انتقال ارزش‌های مدنی و شهروندی است زیرا جامعه از قشر تحصیل کرده انتظار بروز رفتارهای مقبول اجتماعی و فرهنگ شهروندی را دارد، رفتارهایی که برخاسته از ارزش‌ها و هنجارها و مبتنی بر تعهد متقابل نسبت به انجام وظایف و تکالیف شهروندی در ابعاد مختلف سیاسی، مدنی و اجتماعی باشد. جهت ایجاد و تقویت این نوع رفتارها، پیوند فعالیت‌های دانشگاه با ارزش‌های مدنی و شهروندی ضروری است. مسئولیت در این زمینه متوجه سازمان‌های آموزشی و به ویژه آموزش عالی است و سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان نظام آموزشی مسئولیتی دوچندان در قبال این مهم دارند.

آموزش حقوق شهروندی در یک جامعه باعث این می‌شود که اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار شده و ضمن بهره‌مندی از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بهره‌مند شوند. یادگیری حقوق شهروندی باعث افزایش مهارت‌های زندگی جمعی، افزایش رفتارهای شهروندی، گسترش فرهنگ شهروندی، ارتقای اخلاق اجتماعی، افزایش همبستگی اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد. براساس نتایج این پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

ارتقای آگاهی از حقوق شهروندی فرآیندی طولانی مدت است. برای افزایش میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی باید برنامه‌ریزی صحیحی را تدارک دید. در ابتدا لازم است فرهنگ عمومی به سمت وارد کردن معیارهای حقوق شهروندی در نظام هنجاری جامعه حرکت کند. این کار باید از بدو ورود افراد به نظام آموزشی صورت گیرد. در این راستا برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه حقوق و تکالیف شهروندی می‌تواند موثر باشد. همچنین می‌توان از طریق محتوای برنامه‌های درسی در مدارس و دانشگاه‌ها، آگاه‌سازی در زمینه مفهوم شهروندی و فعالیت‌های مبتنی بر آن و تعهد به حقوق فردی و جمعی برخاسته از آن را تسریع نمود.

فهرست منابع

- احمدی طباطبایی، محمدرضا. (۱۳۸۸). حقوق شهروندی با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه خط اول: رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳: ۱۸-۳.
- احمدی، فهیمه (۱۳۹۴). بررسی تاثیر آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، رساله کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء.
- امام جمعه، فرهاد، اشتری، کیانا. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی وضعیت حقوق شهروندی در سازمانهای اجرایی جامعه شهری اراک. فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال ششم، شماره نوزدهم: ۴۳-۱۳.

- آقازاده، احمد. (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگیهای این گونه آموزشها در ژاپن. فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷: ۶۶-۴۵.
- باقری بنجار، عبدالرضا، مرجانی، سجاد (۱۳۹۶). تحلیل رابطه آگاهی از رضایت از زندگی با توسعه اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان شهر رشت)، دوفصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره سوم، شماره ۵، ص ۱-۲۵.
- بندرچی، محمدرضا. (۱۳۸۳). حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران. قسمت اول. دادرسی، شماره ۸: ۱۹-۱۵.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۵). شهروندی از حقوق تا مسئولیت. نامه، شماره ۵۳.
- تاجانی، بهرام. (۱۳۸۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات. چاپ دوم. انتشارات اندیشه عصر. تهران.
- حاج زاده، مصطفی، منصور، اعظم. (۱۳۹۲). سنجش میزان آگاهی های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال چهارم، شماره ۱۲: ۷۶-۵۷.
- حسینی، محمد، موسوی، میرنجف، حبیبی قراتپه، سکینه. (۱۳۹۱). سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزشها و هنجارها، مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه. فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۳: ۲۴۲-۲۲۳.
- حسین آبادی، سعید، زنگنه، یعقوب. (۱۳۹۶). تاثیر آگاهی از حقوق شهروندی بر شهروندی فعال (مورد مطالعه: شهر سبزهوار). فصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری، دوره ۴ شماره ۲: ۲۰۴-۱۸۹.
- حسین زاده، پروین، ابراهیم پور، داوود (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رضایت شهروندان شهر تبریز، مطالعات جامعه شناسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، ص ۵۹-۷۲.
- دلاور، علی. (۱۴۰۰). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. ویراست پنجم. تهران، انتشارات ویرایش.
- رستگار، خدیجه، سیدان، فریبا. (۱۳۹۴). سنجش رابطه بین فرهنگ شهروندی و سلامت اجتماعی شهروندان تهرانی. فصلنامه مطالعات ملی، سال شانزدهم، شماره ۱: ۱۰۷-۸۵.
- روشن، محمد، بیراوند، رضا، یاراحمدی، حسین. (۱۳۹۳). حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۰: ۱۳۸-۱۱۱.
- سهامی، سوسن، احمدی، سیروس، دوکوهکی، لیلا، حاجی پور، محمد. (۱۳۹۵). رابطه آگاهی از حقوق شهری و کیفیت زندگی در بین زنان ۲۵-۴۴ سال شهر شیراز. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره ۱: ۴۴-۲۹.
- شاه طالبی، حسین، نوری اصل، احد (۱۳۹۰). " هویت ملی و حقوق شهروندی در ایران: گفتمان دو سویه و چند سویه ملت - دولت"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۱.

- شیبانی، ملیحه، داودوندی، طاهره (۱۳۹۰). تحلیلی بر میزان آگاهی از رضایت از زندگی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۵.
- عنایتی، ترانه، آراسته، حمیدرضا، ضامنی، فرشیده، نظافتی پایانی، یوسف. (۱۳۹۱). رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی دانشجویان. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفتم، شماره دوم: ۱۰-۱.
- فاطمی نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶: ۵۸-۳۵.
- فاطمی نیا، سیاوش، حیدری، سیامک (۱۳۹۴). "عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی"، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.
- فتحی، سروش، ثابتی، مریم. (۱۳۹۱). توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی. فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره دوم: ۱۹۶-۱۶۳.
- فرهنگی، منوچهر (۱۳۸۴). "برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخی آن"، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی شماره ۳۹ و ۴۰.
- فغان نژاد، سعدالله، نوری، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی حقوق شهروندی در وضعیت بحران: مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و آمریکا. دو فصلنامه مدیریت بحران، شماره اول، بهار و تابستان: ۸۱-۶۹.
- کلدی، علیرضا، پوردهنداد، نگار. (۱۳۹۱). بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران. فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره چهارم: ۵۸-۲۹.
- گنجی، محمد، نیازی، محسن، عسکری کویری، اسما. (۱۳۹۳). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تاکید بر آموزشهای شهروندی. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، سال چهارم، شماره دوازدهم: ۱۰۰-۷۵.
- محمدی، جمال، تبریزی، نازنین (۱۳۹۴). سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به رضایت از زندگی و قوانین شهری (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر)، مجله تخصصی جامعه شناسان، سال اول، شماره اول، ص ۱۷۵-۱۹۰.
- مهدوی، سید محمد صادق، عاشوری، علی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقای فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره چهارم: ۲۶-۲۳.
- نقی زاده، زینب (۱۳۹۱). "حقوق و مسئولیت های حقوق شهروندی و تکالیف آن". همایش ملی نظارت قضایی و حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران.
- هاشمیان فر، سید علی، عجمی، شهرزاد. (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان. فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره ۳: ۲۳۰-۲۰۹.

- هاشمیان فر، سیدعلی، گنجی، محمد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان. فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، شماره ۲۰: ۴۴-۲۵.

- Anderson, E., Hoeberrigs, R., Mackinnon, L and Thwaites, T. (2004). Cultural inclusive arts education in Aotearoa/New Zealand, School for Visual and Creative Arts in Education. University of Auckland New Zealand: 1-3.
- Arthur, J., Bohlin, K, E. (eds.) (2005). Citizenship and higher education: The role universities in communities and societies. London: Routledge Falmer.
- Biesta, G. (2009). What kind of citizenship for European higher education? Beyond the competent active citizen. *European Educational Research Journal*, 8(2): 146-158.
- Gibson, K, L. (2009). Moral development in preparing gifted students for Global citizenship, Morality, and Gifted minds. Springer: 1-12.
- Joo kwak, D. (2007). challenges for Values education Today: In search of a Humanistic Approach for the cultivation of the virtue of private citizenship, values education and lifelong learning ,Konkuk university, Seoul, Korea: 147-159.
- Li, J. (2009). Fostering citizenship in China's move from elite to mass higher education: An analysis of students' political socialization and civic participation. *International Journal of Educational Development*, 29(4): 382-398.
- Marshall, T, H. (2009). Citizenship and Social Class in (Eds) Jeff Manza and Michael Sauder *Inequality and Society*. W.W. Norton and Co. New York.
- Patino G, S. (2009). Promoting ethical competencies: Education for democratic citizenship in a Mexican institution of higher education. *Journal of Moral Education*, 38(4): 533-551.
- SKogen, R. (2010). The missing Element to Achieving a Citizenship –as Practice: Balancing freedom and responsibility in schools to university of Alberta Interchange, Vol.4, Springe 2010.
- Tobias, R. (1997). The boundaries of education for active citizenship: institutional and community context, Secuter Aotearo, New Zealand.
- UNESCO. (2010). teaching and learning for a Sustainable Future teaching and learning, 20 values education. Available at: <http://www.unesco.org/education/TLSF/pdf-list.htm>.

Investigating the Relationship between Awareness of Citizenship Right and Citizenship Culture among the Students of Sirjan Branch of Islamic Azad University

Abstract

Cultivating active and effective citizen requires determination and will for proper education, training and planning in this direction. Specifically, citizen's awareness of citizenship rights can be the basis of their commitment to social behaviors and citizenship tasks and citizenship culture. Accordingly, the aim of this study was to investigate the relationship between citizenship rights and citizenship culture. The spatial domain of this research is the Islamic Azad University of Sirjan. This research in terms of purpose is applied and in terms of nature and method, it is descriptive of correlation type. The statistical population of this study was 4500 students of Islamic Azad University of Sirjan in 2019, that as a sample 351 persons of them were selected based on Kerjegy and Morgan table. Two standard questionnaires were distributed among the sample and finally 310 questionnaires were analyzed by Structural Equation odemling (SEM) in Lisrel software. The results showed that there is a positive and significant relation between students' awareness of citizenship rights (political, social and civil rights) and citizenship culture.

Key Words: citizen rights, citizenship culture, Constitution, political rights, responsibility.

